

فرمانروایی ملکه‌ها (کانداسها)

حکومت زنان در مر وئه

نوشته احمد م. علی حاکم
با همکاری ایوان هرېک و ژان وركوتر

از قرن هشتم پیش از میلاد تا قرن چهارم میلادی، مهم‌ترین خصوصیت قدرت سیاسی در نوبی و سودان مرکزی ظاهر آثار ثبات و تداوم استثنایی آن بوده است. این سرزمین بر خلاف بسیاری دیگر از کشورهای سلطنتی قدیم از آشوب‌هایی که نوام یا دگرگوئی‌های شدید دودمانی بوقوع می‌پیوندد جان سالم بدر برده است. میتوان چنین پنداشت که در این سرزمین اساساً خاندان سلطنتی واحدی بدون انقطاع و بر اساس یک سنت واحد همچنان پرماتروایی ادامه داده است.

تعداد بسیاری از این خصوصیت با امکان میدهد تا دربارهٔ مشخصات ماهیت سازمان سیاسی و اجتماعی امپراطوری کوش به نتیجه‌گیریهای ارزنده‌ی دست یابیم.

یکی از خصوصیات ویژه نظام سیاسی مر وئه تعیین پادشاه جدید از طریق انتخاب بوده است. مؤلفان کلاسیک - از هرودوت در قرن پنجم پیش از میلاد گرفته تا دیودور دوسیپل - در قرن دوم پیش از میلاد - در آثار خود راجع به «آنتیوپی‌ها» (ساکنان امپراطوری کوش عموماً بدین نام خوانده میشدند) شکفتی خود را از این رسم که از رسوم معمول در دیگر کشورهای پادشاهی قدیم بسیار متفاوت بوده است ایراز داشته‌اند. آنها دربارهٔ انتخاب الهام‌آیین پادشاه جدید بتاکید سخن گفته‌اند. دیودور میگوید: «گاه‌ها انتخاب میکنند مردم کسی را پادشاهی خود می‌پذیرند که خدا در حالیکه در یک حرکت دسته‌جمعی دور گردانده میشود او را باین سمت برمیگزیند. پس از آن مردم مستقیماً بوی توسل میجویند و همچون خدا او را مورد ستایش قرار میدهند از آنرو که زمام امور کشور با ارادهٔ خداوند بدست وی سپرده شده است.

تحلیل همهٔ متون نشان میدهد که وظیفهٔ پادشاه در دودمان سلطنتی یک وظیفهٔ موروثی بوده است. برخلاف نظام فرانسه و هرگونه نظام دیگری در شرق باستان که در آن جانشینی پس بر پدر یک امر عادی بود شاه در «داناها» و «مر وئه» از میان برادران برگزیده میشد. انتخاب مربوط به انتخاب شاه جدید از سران لشکر، شخصیت‌های عالی اداری و یا رؤسای قبیله نانی میشد. هر داوطلبی که صلاحیتش مورد شک و تردید انتخاب کنندگان قرار می‌گرفت و یا اینکه در میان آنان وجهی بی نداشت

احمد م. علی حاکم اهل سودان است و در حال حاضر مدیریت بخش تاریخ را در دانشگاه خرطوم (سودان) برعهده دارد. او آثار و مقالات فراوانی دربارهٔ سودان باستان برشتهٔ تحریر درآورده است.

ایوان هرېک Ivan Hrbek اهل چکوسلواکی است. این دانشمند که اکنون در استونیته خارو، شناسی دانشگاه چارلی براگک به تدریس اشتغال دارد آثار متعددی دربارهٔ تاریخ آفریقا و کشورهای غربی تألیف نموده است.

ممکن بود کنار گذاشته شود. تأیید الهام‌آیین تنها عبارت از تصویب رسمی یک انتخاب قبلی بود و بخصوص جنبهٔ نمادی داشت که برای مطمئن ساختن عموم در این مورد که خود خدا شاه جدید را انتخاب کرده است در نظر گرفته شده بود.

بعلاوهٔ این نکته روشن است که مقام سلطنتاً صولاً پیش از آنکه به نسل بعدی

واگذار شود می‌بایست به برادران یک پادشاه تعلق گیرد. از ۲۷ نفر پادشاهی که قبل از «استازن» سلطنت کرده‌اند ۱۴ نفر عبارت از برادران شاهان قبلی بوده‌اند. البته مورخان استثنایی هم وجود داشته است و آن موقعی است که پادشاهی این مقام را بناروا تصاحب میکرد. ولی در چنین موردی او همیشه میکوشید تا عمل خود را موجه قلمداد کند و جنبهٔ قانونی بدان ببخشد.



معد شیر از معابد متعلق به ۹۹۹ین قرن اول پیش از میلاد و آغاز قرن اول میلادی در «داناها» یکی از شهرهای لغر و سلطنتی قدیمی مر وئه قرار دارد. این معبد به «آپدناه» رسالتون یا شریز و پسن مراهدها، شده‌بود. تصویر این رسالتون (تصویر زورق) جنگ روی یک ستون چهار گوش در کتب عهد کهنه کازی شده است. در طلیحهٔ ستب چپ روی سگونیای بزرگ چهار گوش در کنار در زورق تصویر شاه «ناه کالاه» و ملکه «آمان تره» (سکون سمت راست) مشاهده میشود. اهمیت نقش ملکه مراهدها در نظام سلطنتی مر وئه در برابری این دو تصویر بوضوح نمایان است. ملکه که همچون شوهر خود چهرهٔ مستدراعی دارد با یک قدرت بسیار مؤثر دشمنان کشور را از پای درمیآورد. اگر چه حالت بیخ و بسک کالی در این تصویر نمایانگر تأثیر معضی است ولی ترزیات از نوع ترزیات معضی است. چالی بدن ملکه «آمان تره» با معیارهای زیبا می‌نماید هر دوران فرانسه معاینه دارد.





ملائی نیز وجود دارند حال بر اینکه حق دست-
یابی به مقام سلطنت پیش وایسته ادعای بود
که بر مادشاهی مبتنی بودند و نه بر پادشاهی.
کشیهای بسیاری بر نقش ملکه - مادر در
انتخاب شاه جدید گواهی میدهند، در این زمینه
در قلمروهای سلطنتی سرزمینهای تحت فرمانروائی
رژسای قبیله میتوان برش از مشخصات بسیار
مشابه هم بازیافت.

آری از نقش واقعی زنانی از نژاد شاهان
در قلمروهای سلطنتی در طی دورههای پیشین
در هیچیک از نقاط آشکارا بیخشم نمىخورد ولی
مدارک و شواهد فراوانی وجود دارد دل بر اینکه
آنها مسئولیت مشاغل مهم و انجام کارهای خطیری
را در کشور بعهده داشته‌اند. در زمان تسلط
امپراطوری کوش بر مصر و خلیفه کاغه بزرگ
رب‌الووع آمون در «قب» بدختر شاه محمول
شد و این کار به‌از نفوذ و امتیاز اقتصادی و
سیاسی عظیمی منبجشد. حتی پس از زحای
مصر و انحلال این شغل زنان خانواده سلطنتی
باز همچنان مشاغل بسیار مهم و قدرت قابل
ملاحظه‌یی را در میان کاهنان معابد آمون در
تایانا و جاهای دیگر در دست خود داشتند.

بلوریکه کشیهای مربوط بناجگذاری
«تاجار کا» (۶۶۴-۶۶۶ پیش از میلاد) و «آلامانی»
(۶۲۳-۵۹۳ پیش از میلاد) نشان میدهند ملکه -
مادر در تشریفات بناجگذاری پسرش از چنان
قدرتی برخوردار بود که نمیتوان درباره نفوذ
قابل و مقام خاص وی نزود بدل راه داد. او
همچنین بوسیلهٔ یک شیوهٔ پیچیده پذیرش که
در آن با عنوان «فرمانروای کوش» همسر پسرش
را بمشویت خانواده میبیرفت نقش صمدی را
ایفا میکرد.

تصاویری موجود تأیید کنندهٔ پایگاه شاخ
ملکه - مادر هستند. در سخته‌های مذهبی روی
دیوارهای معابد ملکه - مادر با قرار گرفتن
بلافاصله پس از شاه موضع برجسته‌یی را اشغال
میکند. روی دیوارهای معابد کوچک مقابر، ملکه

را پشت سر شاه متوفی بتوان حامل اصلی
قادیمی‌ها میتوان مشاهده نمود.

بعدها این ملکه‌های مادر یا ملکه‌های
حسب اندک اندک قدرت سیاسی پیدا کردند و
بخود لقب شاه دادند. و حتی عنوان پادشاهی
فرزند ره، فرمانروای دو سرزمین، یا فرزند
ره و شاه را پذیرفتند. نام بسیاری از انبیا
زبانزد مرد گفت و در دورهٔ یوشن دورومستان
شهرت مروه بعنوان یک کشور تحت فرمانروایی
نسلی از «کنده‌سا» یا ملکه - مادرهای فرمانروا
در اسی نقاط عالم پیچید.

این عنوان از دلازهٔ «کنکه» یا «کده‌که»
در زبان مردم خزوه که به‌سای ملکه - مادر
است مشتق شده است. عنوان دیگر «پس» -
ژرد - بمعنای فرمانروا و رئیس تا بدینش خط
در کشور مروه مورد استفاده قرار نگرفته و در
واقع تنها چهار ملکه اساسی «آمانی رئیس»،
«آمانتخته»، «ناویدمگ» و «مالکر آبار» آن را
بکار بردند و همهٔ آنها بعنوان ملکه - مادر
توصیف شده‌اند. در اینجا لازم است که
او تذکر داد «آن اینکه در میان مقابر سلطنتی
«نورزی» در «ز مفرقهٔ «قهار کا» گرفته تا مفرقهٔ
«اساناز» هیچگونه نشانه‌یی در مورد اینکه
ملکه‌یی دارای مفرقهٔ یک پادشاه حاکم باشد
وجود ندارد. پس در این دوره ملکهٔ فرمانروایی
وجود نداشته است. قدیمی‌ترین ملکهٔ فرمانروا
که مورد تأیید قرار گرفته «شانا کدخته» در آغاز
قرن دوم پیش از میلاد مسیح است که یک مفرقهٔ
سلطنتی در «بگری‌های» شمالی در ترفات نموده
است. با احتمال بسیار زیاد، در ابتدا عنوان و
وظیفهٔ ملکهٔ مادر مقربمی بیش از مادری نداشته
است. بدین معنی که او تنها صه‌مدار پرورش
فرزندان یا شاه بوده است. بنابراین ملکه از
قدرت و نفوذ قابل ملاحظه‌یی برخوردار بوده
که نشانه‌یی از آن نقش خاص او در مراسم
تاجگذاری پسر و پذیرش همسر وی بمشویت
خانواده است. احتمالاً در مرحله‌یی، این زنان

نست پسرزندان و شوهرانشان اهمیت بیشتری
پیدا کرده و در یک زمان مسامدی تمامی قدرت
را در دست گرفته‌اند.

از «شانا کدخته» بعد یک سلسله ملکهٔ
فرمانروا وجود دارد. ولی از زمان فرمانروایی
«آمانی رئیس» در قرن اول پیش از میلاد ظاهراً
واقعهٔ تازیمی رخ میدهد و آن عبارت از رابطهٔ
نزدیک نخستین همسر پادشاه و احتمالاً فرزند
ارشد آنها روی بسیاری از مقابر مهم است و
این تا حدودی بر شرکت آن‌ها در مقام نیابت
سلطنت دلالت میکند زیرا زنی که پس از
شوهرش بزندگی ادامه میداد غالباً بحکومت
میرداخت. بعهد، این سیستم بیش از سه نسل
دوام نیابورد و ظاهراً پس از «ناتنه گامانی»،
«آمانی ترمه» و «شرا کارره» در حدود نخستین نیمهٔ
قرن اول میلادی از میان رفت. بنابراین ممکن
است که ما در اینجا شاهد تحول داخلی یک
شهاد محلی باشیم و نه یک واقعهٔ ناگهانی اقتباس
شده از خارجهٔ مثلا از «عالمهٔ مصر (امجاری
کالیپاترا). برعکس میتوان دید که این نهادها
در طی قرون پیچیدگی روزافزونی پیدا کرده‌اند.
این نظام سلطنتی در کوش نسبت به

سیستم غیرقابل انعطاف جانشینی مستقیم محض
مزایایی دربر داشت زیرا خطر روی کار آمدن
یک جانشین نامناسب - امر از یک فرد نابالغ یا
یک شخصیت فاقد وجههٔ ملی - را از میان
میبرد. تزریق خون تازه بخانواده سلطنتی بوسیلهٔ
سیستم پذیرش عروس بمشویت خانواده تأمین
میشد در حالیکه منابع و مسوود بازدارندهٔ
گوناگون در این سیستم، موقعیت ممتاز ملکه -
مادر و اهمیت که به جلازادگی داده میشد
تضمینی برای حفظ قدرت در یک خانواده سلطنتی
واحد بشمار می‌آمدند. این‌ها را شاید بتوان
انگیزهٔ استمرار و ثباتی دانست که «تایانه» و
«نورده» طی قرون ششادی از آن برخوردار
بوده‌اند.

احمد علی حکیم